

# فرهنگ سیاسی ایران

دکتر محمود سریع القلم



## فهرست

دیباچه پژوهشکده .....	نه
پیشگفتار .....	یازده
فصل اول: طرح موضوع .....	۱
فصل دوم: متون فرهنگ سیاسی: یک چارچوب نظری .....	۱۱
فصل سوم: فرهنگ سیاسی ایران: مبانی تاریخی و عشیره‌ای .....	۵۳
فصل چهارم: ارزیابی داده‌های میدانی .....	۱۴۱
فصل پنجم: نتیجه‌گیری .....	۱۶۵
ضمیمه یک: پرسشنامه .....	۲۰۱
ضمیمه دو: جداول کار میدانی .....	۲۱۵
نمایه .....	۲۷۵

## فصل اول

### طرح موضوع

در سال ۱۹۰۰ میلادی، هیچ کشور دموکراتیک و توسعه‌یافته‌ای به‌معنای امروزی وجود نداشت. انگلستان و آمریکا با نزدیک به دو و نیم قرن تاریخ صنعتی، به‌ترتیب در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۲۰ قوانینی را وضع کردند که به‌موجب آن شهروندان این دو کشور حق قانونی یافتند تا در انتخابات شرکت کنند. در سال ۱۸۲۴ و ۴۸ سال پس از استقلال آمریکا، تنها ۵ درصد مردم این کشور فرصت و حق مشارکت در انتخابات این کشور را داشتند. تجربه انگلستان و آمریکا در تاریخ مشارکت سیاسی و دموکراسی از این حیث بسیار ممتاز است. هرچند تنها در ثلث اول قرن بیستم و در دهه ۱۹۲۰، انتخابات عمومی در این دو کشور رواج یافت به طوری که هر شهروند حق مشارکت داشت، اما در طی قرن نوزدهم بسیاری از شرایط و ساختارهای لازم برای تحقق این امر آماده شده بود. در قرن ۱۹ در انگلستان و آمریکا به‌تدریج نظام قانونی در دفاع از شهروندان و کارگردان و کارمندان شکل گرفت. رسانه‌ها حق اظهارنظر و نقد را پیدا کردند و استقلال خود را از دستگاه دولتی نیز حفظ نمودند. فعالیت سیاسی و حق تشکل، پشتوانه‌های قانونی یافت و شاید از همه مهم‌تر، مالکیت خصوصی و حق تولید ثروت مستقل از دولت حالت نهادینه به‌خود گرفت. در انگلستان و آمریکا قبل از آنکه انتخابات همگانی

شود و مشارکت تمامی شهروندان اعتبار قانونی داشته باشد، طبقه متوسط در هر دو کشور تشکیل شده بود که خود بزرگ‌ترین پشتوانه نهادینه‌شده برای ثبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در یک کشور است. به عبارت دیگر، ثبات سیاسی پشتوانه اقتصادی مستقل از دولت را می‌طلبد. تاریخ پرفراز و نشیب بی‌ثباتی در آمریکای مرکزی و لاتین و تداوم تمرکزگرایی در روسیه پس از سقوط شوروی، ریشه در فقدان انباشت ثروت در طبقه متوسط جامعه دارد. ازسویی دیگر، میان آزادی و تولید ثروت طبقه متوسط جامعه رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. ولتر میان تولید ثروت و بسط آزادیها ارتباط برقرار کرده و می‌گوید: «تجارت باعث ثروتمندتر شدن افراد جامعه می‌شود و مقدمه بهارمغان آوردن آزادی آنها در بیان و تشکل است.» رشد طبقه متوسط در انگلستان تا آنجا گسترش پیدا کرد که ناپلئون این کشور را در عصر خود «کشور مغازه‌داران» نامید و *دوتوکوویل* در مطالعه دموکراسی آمریکا اظهار داشت که «به نظر می‌رسد کل جامعه در طبقه متوسط ذوب شده است.»

آنچه که در کشورهای صنعتی تحقق پیدا کرده و هم‌اکنون در حال شکل‌گیری در شرق آسیا می‌باشد، رابطه دو سویه میان دموکراسی و لیبرالیسم است. هرچند دموکراسی تمام عیار و همه‌جانبه محصول قرن بیستم است، لیبرالیسم به معنای گسترش آزادیها و استقلال فکری جامعه از دولت و فرصت آزادی بیان، رسانه‌های مستقل و حق تشکل، عموماً در قرن نوزدهم و تاحدی در اواخر قرن هجدهم ظهور نمود. مادامی که جامعه به واسطه ظرفیت ثروت خود و یا استقلال مالی خود از دولت، نتواند مستقل فکر کند و آلترناتیوها و راه و روشهای خود را انتخاب نماید، دموکراسی به صورت منطقی و تکاملی و پایدار رشد نخواهد کرد. تجربه آمریکای لاتین بهترین مصداقها را برای سنجش روابط علت و معلولی فوق معرفی می‌کند. در این میان، تکامل جامعه انگلستان از یک جامعه فئودالی به یک جامعه باز

قابل تقدیرتر از آمریکاست که سابقه فئودالی ندارد. در انگلستان سابقه نظام پادشاهی مطلق‌گرا وجود داشت، در حالی که در آمریکا مرکانتالیسم و تجارت آزاد شکل گرفت و به نظام سیاسی لیبرال منتهی گردید. مبنای استقلال جامعه از حکومت انگلستان، قبل از آنکه جنبه فکری و استدلالی و گفتمانی داشته باشد، ناشی از بنیانهای مستقل اقتصادی و بی‌نیازی مالی اقشار متوسط به نهاد دولت بود. هم‌اکنون نیز افزایش ثروت مردم و طبقه متوسط در مالزی، کره جنوبی و چین به تدریج فضای اثرگذاری بر سیاستهای این دولتها را فراهم کرده است. دولت از یک طرف و ملت از طرف دیگر، از طریق طبقه متوسط به سوی اجماع معنایی و روشی در مدیریت کشور دست می‌یابند.

در مقام مقایسه، بورژوازی آلمان کمتر استقلال اقتصادی و در نتیجه سیاسی داشت و به همین دلیل صنعتی‌شدن آلمان و دموکراسی در این کشور با تأخیر تحقق پیدا کرد. همین مناسبات در فرانسه نیز وجود داشت، به طوری که حکومت بالاتر از جامعه قرار گرفت و صنعتی‌شدن را به تأخیر انداخت. مشروعیت دولتها به واسطه انتخابات در طول قرن نوزدهم به دست می‌آمد، ولی جامعه فرانسوی ضعیف باقی ماند و فرصت تعامل و تبادل با دولت را پیدا نکرد. جامعه مدنی، رسانه‌های مستقل و آزادی بیان و تشکل زمانی شکل گرفته و پایدار می‌ماند که جامعه منابع مالی مستقل از حکومت داشته باشد. هنگامی که جامعه منابع تولید ثروت را نداشته باشد، دلیلی بر تشکل سیاسی آنان نیز وجود ندارد؛ زیرا تشکل سیاسی برای دفاع از حریم طبقات اجتماعی و بسط دایره مانور آنهاست. دلیلی بسیار ساده برای بحرانهای مکرر سیاسی از دوران پس از مشروطه در ایران وجود دارد: فقدان استقلال مالی جامعه و نبود طبقاتی که ظرفیت تولید ثروت داشته باشند. در شرایطی که جامعه زمینه تولید ثروت را نداشته باشد و در هاله‌ای از فرهنگ و فرهنگ سیاسی استبدادی عمل کند، تنها خروجی، استبداد با صور